

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

علی ناظر  
۲۷ جون ۲۰۲۴



علی ناظر

## دوراهی انتخاب؟

هرچه بود و شد، هرکه هرچه گفت و یا به کنایه اشاره کرد، همگی امروز به پایان رسید و ۶ نامزد اصولگرا پس از انجام وظیفه محوله، به سیاحت استانی ادامه خواهند داد، تا مهندسین نتیجه گیری کنند چه کسی را از جعبه شعبده بازی بیرون بیاورند.

در این نوشتار چند نگاه بررسی می شود. نگاهی که معتقد است "انتخابات در جریان است و امکان پیروزی نامزدی بر نامزد دیگر ممکن است". نگاه دوم به نقش "رهبر" می پردازد، و نگاه سوم.

در نگاه اول، مشکل مهندسین اینست که خودشان هم در برزخ و تناقض به سر می برند. به گوشه ای از این تناقض اشاره می کنم.

نخست به چند اصل پایه در انتخابات ج.ا. توجه داشته باشیم.

- اگر رهبر نخواهد، مهندس هم نخواهد خواست، مهم نیست که حوزه های انتخاباتی پر خواهد شد یا خالی و محلی برای پرواز مگسان دور شیرینی.

- دیگر اینکه، ج.ا. در حاشیه تولید سلاح اتمی است (البته اگر تاکنون تولید نکرده باشد).

- پول و ثروت مزه عجیبی دارد، وقتی آمد زیر دندان، دل کندن از آن سخت است. از سر ۱.۵ میلیون بشکه نفت در روز به آسانی نمی توان گذشت. به همین خاطر قالیباف دائما از مذاکره حرف می زند.

- بحران در فلسطین، اوکراین/روسیه، و تقابل حریصانه چین و امریکا برای برداشت حداکثری از بحران جهانی، ج.ا. به این واقعیت میدانی تن داده (پراگماتیسم) که برای بازیگری باید از جنس دشمن شود، و با دشمن تا حد امکان همزیستی مسالمت آمیز داشته باشد.

- با توجه به سیاست حاکم بر اروپا، هند، روسیه، و در رأس همه، چرخش به راست افراطی/فاشیسم در این کشورها، ج.ا. نمی تواند توان نظامی/امنیتی خود را تقلیل داده، و یا گارد خود را پائین بیاورد.

با توجه به نکات بالا، مهندسین باید بین اصولگرایی سنتی، و اصولگرایی مدرن انتخاب کنند، و به این سوال پاسخ دهند که آیا ایران امروز به لحاظ سیاسی-ایدئولوژیک همان راهی را می پیماید که شوروی در پایان دوران استالین پیمود، و باید منتظر رویونیست ها و خروشچف زمان بود؟ دوراهی پیش رو را می شود از چند منظر بررسی کرد.

۱. اگر قالیباف/جلیلی را از صندوق بیرون بیاورند، رهبر راضی و جناح هار راضی و سپاه هم راضی خواهد بود. اما، خلق ستمدیده که هر روز از روز پیش بیزارتر از این نظام می شود، از قهر تاکتیکی به قهر استراتژیک می چرخد و این برف را دیگر سر باز ایستادن نخواهد بود. نظام به سوی فروپاشی سیستماتیک پیش خواهد رفت.

۲. راه حل دوم اینکه پزشکین از صندوق بیرون بیاید. امکان دارد با این ترفند، مردم برای عقب راندن جناح هار خوشحال، و برای مدتی سرکار گذاشته شده و فریب بخورند، ولی بعد از سال اول و دوم به واقعیت پی برده و روبرگردان خواهند شد. به همین منظور پزشکین در آخرین مناظره، دائما قول می دهد که به مردم دروغ نخواهد گفت (که همین وعده خودش دروغ است)، حال اگر پزشکین بخواهد به وعده هائی که داده، (آزادی مطبوعات، زنان، و...) عمل کند، من غیرمستقیم زیر پای تمامیت نظام را خالی کرده و نظام به سوی فروپاشی سوق داده خواهد شد.

پس چه باید کرد؟

- به نظر من، اگر حرفهای سالها پیش، و قبل از تخریب دیدگاه زده بودم درست باشد، نتیجه مشخص است. با اجازه نکات زیر را یادآوری می کنم.

- حدود ده سال پیش، از اپوزیسیون سرنگونی طلب پرسیده بودم که آیا برای ۱۴۰۴ برنامه ای دارد، که کسی جواب نداد.

- از اپوزیسیون سرنگونی طلب، دوباره پرسیده بودم که آیا برای ۱۴۱۰ برنامه ای دارد، که پاسخی داده نشد.
- در همان دوران نوشته بودم که ج.ا. دلش می خواهد به راست میانه چرخش کند. در عین حال، در سری نوشتار "از خواستن تا توانستن"، نوشته بودم که برای چرخش به راست میانه چند پارامتر باید مورد نظر ج.ا. قرار گرفته و آنرا عملیاتی کند، از جمله احترام به مقام و شرکت فعالانه زن در اقتصاد؛ از میان برداشتن کارتل ها (مافیای)، و تغیر در فرهنگ نظام اداری.

- بنا به تحلیل از داده هائی که در آنزمان گردآوری کرده بودم، چرخش در سال ۱۴۰۴ آغاز شده، و در ۱۴۱۰ عملیاتی می شود. امروز، آنچه از پزشکین و ستاد و همراهانش مشاهده می کنیم، خیز برای عملیاتی کردن این "زمانبندی فرضی" است. آیا ایران در حال آفرینش خروشچف زمان است؟

از سوی دیگر، بنا به حرفهائی که در همین چند مناظره زده شده، نه مقام زن ارتقا یافته، نه حضرات می توانند فساد سیستماتیک را کنترل کنند؛ و تا معیشت سروسامان نگیرد، بهینه سازی نظام اداری فقط یک رویا خواهد بود. بنابراین تغیر به معنای اخص کلمه نمی تواند عینیت پیدا کند.

**در نگاه دوم**، مهندسین ذوب شده در ولایت در عین حال جایگاه سپاه، توجه می کنند. در این نگاه، به گفته های امروز خامنه ای که از قول علی بن ابی طالب می گوید، ..... ("وَاللّٰهُ لَا اَكُوْنُ كَاَصْبُعٍ تَنَامُ عَلٰی طَوْلِ اللّٰدِمِ" ) خلاصه‌ی معنایش این است: "من آدمی نیستم که با لالائی دشمن خوابم ببرد". خیلی‌ها با لبخند دشمن خاطرشان جمع میشود که دیگر خطری نیست؛ اگر دشمن لالائی بدهد، خوابشان میبرد! امیرالمؤمنین میفرماید که "وَ مَنْ نَامَ لَمْ يَنْمَ عَنْهُ"؛ اگر تو خوابت برد، معلوم نیست دشمن هم خوابش برده باشد، او بیدار است. نوازش دشمن و لالائی دشمن موجب نمیشود من به خواب بروم؛ یعنی این هوشیاری در مقابل دشمن در اوج است."

خامنه ای در حمایت از ارجحیت اقتصاد بر سیاست، و در حمایت از دولت سیزدهم می گوید "اگر این دولت ادامه پیدا میکرد، بنده احتمال زیاد میدهم که بسیاری از مشکلات کشور، عمدتاً مشکلات اقتصادی حل میشد." وی سپس بو پس از شلاق کش کردن خاتمی و روحانی، دروازه مذاکره را بسته و پنجره ای برای مذاکره باز می کند. "بنده از اول هیچ وقت [مخالف ارتباط نبودم]. ما با کم و زیادش، به قدر عمر بعضی از این حضرات، در کار سیاست و در کار مسائل انقلاب و در کار مسائل کشور بوده ایم. از اول معتقد به ارتباط با همه ی دنیا آلا یکی دو استثنا بودیم." و بالاخره با توصیه به نامزد ها، خط بطلانی روی ستاد پزشکیان می کشد "کسان و کارگزاران خود را از کسانی قرار ندهید که ذره ای با انقلاب زاویه دارند. آن کسی که با انقلاب، با امام راحل، با نظام اسلامی ذره ای زاویه داشته باشد، او به درد شما نمیخورد؛ او همکار خوبی برای شما نخواهد بود. آن کسی که دلبسته ی امریکا باشد و تصور کند که بدون لطف امریکا نمیشود قدم از قدم برداشت در کشور، او برای شما همکار خوبی نخواهد بود، او از ظرفیتهای کشور استفاده نخواهد کرد، او خوب مدیریت نخواهد کرد؛ آن کسی که راهبرد دین و شریعت را مورد بی اعتنائی قرار بدهد، برای شما همکار خوبی نخواهد بود. کسی را انتخاب کنید که اهل دین، اهل شریعت، اهل انقلاب، اهل اعتقاد کامل به نظام باشد".

مهندسین نزدیک به سپاه می دانند که ج.ا. یک هدف بیشتر ندارد، باید با حداقل آسیب از این موج و دوران گذار جهانی به دوران پسا گلوبالیزسیون، گذشت. به همین دلیل قالیباف اعلام می کند که برای مدتی می خواهد پشت خم پشت خم حرکت کرده و از ایجاد تنش با جناح های داخلی، و در روابط بین المللی پرهیز کند. با توجه به این نکته، قاعدتا، بهترین و اصلح ترین انتخاب برای سپاه، قالیباف (و شاید جلیلی) است که هم زبان اصولگرایان سنتی را بهتر می فهمد، هم با مختصات سپاه آشناست، و مهمتر از بقیه، زیر میز نخواهد زد و معادلات را دگرگون نمی کند؛ مخصوصا اگر جنگ در خاورمیانه گسترش پیدا کرده و پای ایران هم به میدان کشانده شود (که بعید به نظر می رسد، هرچند که باید بخشی از احتمالات ارزیابی کرد).

بیرون آمدن قالیباف از صندوق را باید به فال نیک گرفت، چرا که مردم از فردای اعلان نتیجه، به نظام پشت کرده و شکاف درون نظام تشدید می شود. فروپاشی که از چندماه پیش کلید خورده شدت می یابد و وقتی خامنه ای سقط شود به اوج خود خواهد رسید.

بنا به نموداری که در آخرین مناظره از سوی صدا و سیما به نمایش گذاشته شد، وقتی از مردم پرسیده می شود که الویتشان چیست؟ به مساله معیشت ۷۳٪ و مساله حجاب فقط ۶٪ رأی می دهند. ترجمان این ارقام اینست که باید به بهبود اقتصاد و نه زیرساخت های سیاسی ارجحیت داد (دعوی قدیمی - از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تاکنون). اگر ج.ا. بخواهد به اقتصاد بپردازد، قالیباف/جلیلی شانس بیشتری خواهد داشت. برنامه قالیباف را می شد در سخنان قاضی زاده، زاکانی و جلیلی جست:

- ادامه غارت و چپاول
- کم پرداختن به کلان شهرها، و تمرکز روی روستا ها.
- گذار از بورژوازی سنتی به بورژوازی ملی.
- تمرکز بر نقاط ضعف دیپلماسی با همسایگان و بهینه سازی روابط با چین و هند.
- ... نقش آفرینی ج.ا. به عنوان دلال اقتصادی و ترانزیتی بین آسیا و اروپا.
- تمرکز روی سیاست "پایپای" در مذاکره با امریکا و اروپا. به این منظور که با هر اقدام مثبت از سوی امریکا و اروپا (مثلا رفع تحریم ها) ج.ا. هم یک گام بر می دارد (مثلا تجدید نظر در غنی سازی ۶۰٪ی).

ساده اینکه، در روابط دیپلماتیک-امنیتی، کارت اصولگرایان سنتی برای مذاکره و به سرانجام رساندن برجام برنده تر از کارت احمدی نژاد (پورمحمدی) و روحانی (پزشکیان) است.

در این نگاه، سوال پایانی اینست که آیا مهندسین چاره را در دو مرحله ای شدن این نمایش می بینند یا در همین مرحله اول، قال قضیه را کنده و به نتیجه می رسند؟

اگر "اجماع" بر قالیباف باشد، بنا به ارزیابی من از ج.ا.، دو مرحله ای خواهد بود تا نیروی امنیتی به اندازه کافی وقت برای تقلیل تنش‌های که زاکانی و قاضی زاده و پورمحمدی ایجاد کرده اند، داشته باشند؛ و انتصاب در فضائی ملتهب انجام نگیرد. اما اگر مهندسین به دنبال "تحول/روزیون" باشند، و پزشکیان مورد نظر رهبر باشد (که شک دارم) نتیجه در مرحله اول جمع بندی خواهد شد. پزشکیان در جمع بندی مناظره آخر پس از اینکه ادعا می کند که آمده‌است رئیس جمهور دولتی باشد که به زنان و دختران این سرزمین و خواسته‌هایشان احترام بگذارد و زمینه شکوفائی بیشترشان را فراهم کند، موزیانه اضافه می کند "ادعا نمی‌کنم آنچه را که ذکر کردم به طور کامل و با سرعت محقق خواهد شد بلکه من برای طی کردن این مسیر به پشتیبانی مردم ایران و کارشناسان با تجربه کشور احتیاج دارم. در راس نظام سیاسی ما رهبری قرار گرفته است که پشتیبان پیشرفت کشور و حامی عبور از مشکلات است؛ ایشان بنیست‌ها را می‌شکنند و سرمایه‌ای برای حل اختلافات هستند."

اگر خاتمی و موسوی و روحانی (خواستند و) توانستند کاری انجام دهند این "جراح" ولایتمدار هم می تواند. حامیان پزشکیان باید متوجه باشند که او بیشتر از یک "تدارکاتچی" نیست.

اما و از آنجائیکه نظامی ولایتمدار مورد تحلیل است، نمی شود این نوشتار را بدون سر زدن به نظرات "رهبر" کامل کرد.

**نگاه رهبر، حرف آخر ...** واقعیت اینست که مهندسین ذوب شده در ولایت، گوش به فرمان رهبرند و تصمیم آخر از آن زاویه گرفته می شود. خامنه ای در سخنرانی امروزش به مناسبت عید غدیر مطالبی ایراد کرد که باعث خروج مهندسین از برزخ و سردرگمی می شود.

وی با طعنه زدن به ستاد پزشکیان، از قول علی بن ابی طالب می گوید **وَاللّٰهِ لَا اَكُوْنُ كَاضْبِعِ تَنَانٍ عَلٰی طَوْلِ اللّٰمِ**؛ "خلاصه‌ی معنایش این است: "من آدمی نیستم که با لالائی دشمن خوابم ببرد." خیلی‌ها با لبخند دشمن خاطرشان جمع میشود که دیگر خطری نیست؛ اگر دشمن لالائی بدهد، خوابشان میبرد! امیرالمؤمنین میفرماید که **"وَمَنْ نَامَ لَمْ يُنْمَ عَنهُ"**؛ "اگر تو خوابت برد، معلوم نیست دشمن هم خوابش برده باشد، او بیدار است. نوازش دشمن و لالائی دشمن موجب نمیشود من به خواب بروم؛ یعنی این هوشیاری در مقابل دشمن در اوج است."

خامنه ای در حمایت از ارجحیت اقتصاد بر سیاست، و در حمایت از دولت سیزدهم ادامه می دهد "اگر این دولت ادامه پیدا می‌کرد، بنده احتمال زیاد میدهم که بسیاری از مشکلات کشور، عمدتاً مشکلات اقتصادی حل میشد." وی پس از شلاق کش کردن خاتمی و روحانی، دروازه مذاکره را بسته و پنجره ای برای مذاکره باز می کند. "بنده از اول هیچ وقت [مخالف ارتباط نبودم]. ما با کم و زیادش، به قدر عمر بعضی از این حضرات، در کار سیاست و در کار مسائل انقلاب و در کار مسائل کشور بوده‌ایم. از اول معتقد به ارتباط با همه‌ی دنیا آلا یکی دو استثنا بودیم."

و بالاخره با توصیه به نامزدها، خط بطلانی روی ستاد پزشکیان می کشد "کسان و کارگزاران خود را از کسانی قرار ندهید که ذره‌ای با انقلاب زاویه دارند. آن کسی که با انقلاب، با امام راحل، با نظام اسلامی ذره‌ای زاویه داشته باشد، او به درد شما نمیخورد؛ او همکار خوبی برای شما نخواهد بود. آن کسی که دلبسته‌ی امریکا باشد و تصور کند که بدون لطف امریکا نمیشود قدم از قدم برداشت در کشور، او برای شما همکار خوبی نخواهد بود، او از ظرفیتهای کشور

استفاده نخواهد کرد، او خوب مدیریت نخواهد کرد؛ آن کسی که راهبرد دین و شریعت را مورد بی‌اعتنائی قرار بدهد، برای شما همکار خوبی نخواهد بود. کسی را انتخاب کنید که اهل دین، اهل شریعت، اهل انقلاب، اهل اعتقاد کامل به نظام باشد".

**نگاه سوم، نگاهی واقع‌بینانه است.**

ج.ا. طی حدوداً نیم قرن گذشته بجز آسیب بر روان و اقتصاد و معیشت جامعه، تلاش بر چندپاره کردن ملت شریف ایران داشته است. حقوق قومیت‌ها، زنان، و کارگران هرگز به رسمیت شناخته نشده، و جوانان به سوی اعتیاد، روانپزشی و بیکاری سوق داده شده‌اند. نخبگان و قشر کارشناس نادیده گرفته شده، و آنان را به مهاجرت و خودتبعیدی واداشته است. زندانها مملو از مخالفان و خیابان‌ها مملو از کودکان کار شده است. تیرهای اعدام و تخت شکنجه از همان روزی که خمینی زمام امور را به دست گرفت بمثابة ابزار اختناق برپا شد. فساد و چپاول ثروت ملی، معامله بر سر منافع ملی، و همسوئی روزافزون با اربابان بی‌مروت، ملت شریف ایران را از صعود به اوج عزت بازداشته، و با ترویج نگاه ارتجاعی خود، خلقی ستم‌دیده را از باورمندی به ایدئولوژی و مکاتب عدالت محور دلزده کرده، و مبارزات مسالمت‌جویانه را سرکوب و فرزندان غیور خلق را در خیابان‌ها به رگبار بسته است.

ج.ا. با بستن تمام راه‌ها و درها، جوانان و آسیب‌دیدگان را بر سر دو راهی انتخاب - انتخاب بین مبارزه مسلحانه، و یا تسلیم قرار داده است.

در این نگاه، تنها راه باقیمانده، خیزش‌های اجتماعی زیر چتر حفاظتی مبارزان رادیکال مسلح است. این تنها انتخاب پیش‌روست. بجز این، خودفریبی، افسردگی، و اضمحلال تدریجی خودباوری، ساختار فرهنگ حاکم بر جامعه را شکل خواهد داد.

برای برونرفت، باید از کانون‌های شورشی حمایت کرد. کانون‌ها باید فرهنگ مبارزاتی در سرزمین پهناور ایران را نهادینه کرده و از فرهنگ ارتجاعی کیش شخصیت و رهبر-محوری، پرهیز کنند. کانون شورشی باید از یک نهاد تشکیلاتی به یک فرهنگ حاکم بر جامعه تبدیل شود؛ تا به آن حد که اگر شخصیت کاریزماتیک در میدان نبود، کانون‌ها بتوانند به مبارزه ادامه داده، و هر کانون بمثابة یک رهبر فعال بماند.

شاد باشید

علی ناظر

۶ تیرماه-سرطان-۱۴۰۳ (شب هفتم تیر)

۲۶ جون ۲۰۲۴